

# بررسی میزان تاثیر اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در پرونده های کیفری مختومه دادگستری استان تهران در سالهای ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۹

دکتر رعنا هاشمی

متخصص پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور

## چکیده

زمینه: قوانین و رویه قضایی نشان می دهد که قاضی در ارزش گذاری نظر کارشناسی در پرونده های مطروحه از آزادی عمل برخوردار است. در صورتی که با تکیه بر توانایی های علمی عصر جدید، ارجاع به کارشناسی و تبعیت از اظهار نظر کارشناسی الزامی می باشد. متأسفانه قانونگذار در ارجاع موضوعات به خبره و کارشناس از مبنای واحدی پیروی نکرده است. هدف عمده از این مطالعه بررسی فراوانی نسبی درخواست نظر کارشناس و تاثیر اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در نظام قضایی موجود می باشد.

روشها: در این مطالعه مجموعاً ۶۵۰ پرونده در ۴ مجتمع قضایی شهر تهران بررسی گردید.

یافته ها: از مجموع پرونده های بررسی شده در ۶۲ مورد (۹/۸ درصد) نظریه کارشناسی پزشکی قانونی اصلاً پذیرفته نشده بود. در ۳۸۶ مورد (۶۰/۹ درصد) نظریه پزشکی قانونی کاملاً مورد پذیرش قاضی پرونده قرار گرفته بود. در ۵۸ مورد (۹/۱ درصد) نظریه پزشکی قانونی به طور نسبی پذیرفته شده بود. در ۱۰۲ مورد (۱۶/۱ درصد) از پزشکی قانونی استعلام نگردیده بود که این موضوع در مورد جرایم جنسی فراوان تر از سایر جرایم بود. در ۳۶ مورد (۵/۷ درصد) قاضی شخصاً میزان ارزش را تعیین نموده بود. در ۴۷ مورد (۷/۴ درصد) به نظر می رسید که قاضی در محاسبه مبلغ دیه اشتباه نموده یا بعضی ضایعات را از قلم انداخته بود.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می دهد که قضات در استفاده از نظر کارشناسی پزشکی قانونی و میزان بها دادن به آن وحدت رویه ندارند. اصول کارشناسی بر پایه رعایت موازین و اصول علمی آن امر تخصصی استوار است. دادگاه زمانی حق رد نظریه کارشناسی را دارد که ثابت نماید نظریه مذکور با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه مطابقت ندارد. در نتیجه شکی نیست که در امور تخصصی و فنی ارجاع به کارشناس و تبعیت از اظهار نظر کارشناس الزامی است. به نظر می رسد همگام با تلاش جهت علمی تر نمودن سیستم پزشکی باید با تصویب قوانین لازم، قضات را ملزم به اخذ نظریه کارشناسی نمود.

واژگان کلیدی: کارشناس، قاضی، پزشکی قانونی

انواع قتل ها، مجتمع قضایی ارشاد که جرایم جنسی، مجتمع جنایی اطفال که جرایم اطفال بزهکار و مجتمع قضایی مرکزی (امام خمینی) که در آن انواع ضرب و جرح های عمدی و غیر عمدی بررسی گردیدند.

روش کار به این صورت بود که بر اساس تعداد پرونده های کیفری مختومه در یک سال کاری در دادگاههای عمومی استان تهران، به تفکیک نوع جرم، بر اساس تقسیم بندی سیستم آمار و خدمات ماشینی قوه قضائیه برحسب شیوع جرم، به محاسبه حجم نمونه پرداختیم. نمونه گیری به روش تصادفی ساده صورت گرفت و دو فرم تهیه گردید.

فرم شماره ۱ شامل نظریات پزشکی قانونی و فرم شماره ۲ نظریه قضایی استخراج شده از حکم بود. جهت مصاحبه با قضات در خصوص میزان توجه آنها به نظریات پزشکی قانونی نیز، فرمی تهیه گردید. متغیرهای مورد بررسی در این فرم ها منظور شدند. جرایم کیفری که نیازی به نظریات پزشکی قانونی نداشته اند از مطالعه حذف گردیدند. در انتها برای آنالیز نتایج از نرم افزار SPSS استفاده گردید.

## نتایج

بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه چگونگی ارتباط میان اظهار نظر قضایی و رای کارشناسی پزشکی قانونی به شرح ذیل می باشد:

۱. مواردی که ضایعه ای ارش داشته، قاضی بدون درخواست از کارشناس (پزشکی قانونی) شخصاً ارش تعیین کرده است و مبلغ تعیین شده نیز مطابق عرف تعیین خسارت توسط سازمان پزشکی قانونی معین شده است که مجموعاً ۱۲ مورد (۷۹ درصد) بودند.

۲. مواردی که ضایعه ای ارش داشته، قاضی بدون درخواست از کارشناس ارش تعیین کرده ولی میزان ارش، تطابقی با عرف رایج تعیین خسارت توسط سازمان پزشکی قانونی ندارد. این موارد مجموعاً ۲۴ مورد (۳۸ درصد) بودند.

۳. مواردی که نظریه پزشکی قانونی بطور کامل پذیرفته شده بود که مجموعاً ۳۸۶ مورد (۶۰/۹ درصد) بودند.

۴. مواردی که نظریه پزشکی قانونی پذیرفته نشده است که ۶۲ مورد (۹/۸ درصد) بودند.

۵. مواردی که نظریه پزشکی قانونی بطور نسبی پذیرفته شده است، یعنی از ضایعات متعدد گزارش شده توسط پزشکی قانونی، قاضی بعضی از ضایعات را پذیرفته و بعضی را نپذیرفته است. یا اینکه ضایعه را پذیرفته ولی نقص عضو حاصله و در نتیجه ارش ضایعات را نپذیرفته است که مجموعاً ۵۸ مورد (۹/۱ درصد) بودند.

۶. مواردی که قاضی به نظر می رسد در محاسبه مبلغ دیه اشتباه نموده

در جهانی زندگی می کنیم که استفاده از فن آوری و روش های نوین علمی، توانایی بشر را در حل معضلات و مسائل مبتلابه جامعه افزایش داده است. از طرفی خلاقان و جنایتکاران نیز از این فن آوری بهره گرفته، روش های منسوح گذشته را کنار گذاشته اند و با تکیه بر توانایی های علمی عصر جدید، از روش های پیچیده تری برای انجام اعمال خلاف استفاده می نمایند. رشته پزشکی قانونی یکی از ضرورت های نظام قضایی و بازوی توانمند قوه قضائیه است و در امر کشف جرایم به ویژه تحقیقات جنایی، بیشترین کمک را به قضات می نماید.

متأسفانه قانونگذار در ارجاع موضوعات به خیره و کارشناس از مبنای واحدی پیروی نکرده است (۱). گاه تبعیت از نظر کارشناس را الزامی دانسته و گاه نیز قضات را در تبعیت از اظهار نظر کارشناسی آزاد گذاشته است. احکام شماره ۲۹۴۰ و ۲۹۴۱ مورخ ۱۳۱۹/۹/۱۶ ردیف ۴۳۹ اصول قضایی، در خصوص اخذ نظر کارشناس در موارد فنی مقرر می دارد (۲): «تشخیصاتی که محتاج به اعمال نظریات فنی و کارشناسی باشد، دادگاه در اینگونه موارد نمی تواند تشخیص خود را منشاء حکم تقصیر قرار دهد». و یا حکم شماره ۴۳۹۲ مورخ ۱۳۳۰/۱/۰۷ شعبه ۹ دیوانعالی کشور در خصوص ضرورت کسب نظر متخصصین فنی که مقرر می دارد: «در صورتی که دیوان جنایی در مورد اتهام ضرب منتهی به زوال عقل مجنی علیه، کشف قضیه را محتاج به جلب نظر متخصصین بداند و پزشکان محل نیز روشن شدن امر را که آیا ضربات وارده سبب زوال عقل شده، یا به سبب دیگری حادث گردیده، کسب نظر متخصصین فنی مرکز را لازم داشته باشد، دادگاه نبایستی بدون جلب نظر کارشناس فنی در امری که تخصص نداشته رسیدگی و اظهار نظر نماید». از طرف دیگر در آیین دادرسی، ادله اثبات جرم مشتمل بر ۱. اقرار ۲. شهادت شهود ۳. علم قاضی ذکر گردیده است (۳). که بر اساس این قانون، نظریه پزشکی قانونی به عنوان یک نظریه کارشناسی بوده، قاضی الزامی در پذیرش آن ندارد.

این نوشتار سعی دارد که طی تحقیقی تاثیر اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی را در نظام قضایی موجود بررسی نماید. همچنین فراوانی نسبی درخواست نظر کارشناسی پزشکی قانونی در پرونده های کیفری و موارد همخوانی، بین نظریه پزشکی قانونی و حکم نهایی بررسی گردیده است.

## مواد و روشها

این تحقیق از نوع توصیفی مقطعی است و جمعیت مورد مطالعه بر اساس ۶۵ پرونده مختومه کیفری در فاصله سالهای ۷۶ الی ۷۹ تعیین شد و مورد بررسی قرار گرفت. مطالعه در ۴ مجتمع قضایی در تهران انجام گرفته است که شامل مجتمع قضایی جنایی که در آن

۱. اصلاً پذیرفته نشده

۲. کاملاً پذیرفته

۳. نسبتاً پذیرفته

۴. اشتباه قاضی

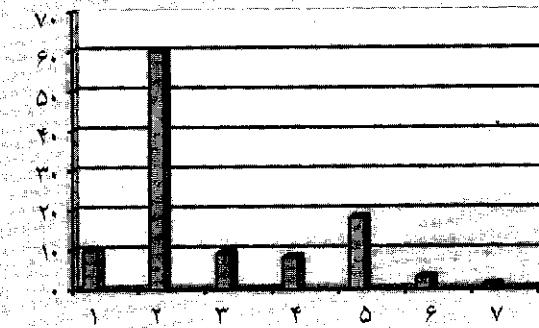
۵. عدم استعلام کارشناسی

۶. تعیین ارش بدون درخواست کارشناسی

«تعیین مخالف عرف»

۷. تعیین ارش بدون درخواست کارشناسی

«تعیین مطابق عرف»



شکل ۱- توزیع فراوانی نسبی آرای قضات و میزان مطابقت آنها با نظر کارشناسی پزشکی قانونی در مجموع ۴ مجتمع قضایی (سالهای ۷۶ الی ۷۹)

و یا نهایتاً تعزیر می گردید که اینگونه پرونده ها زیاد بودند و متأسفانه در مورد تجاوزات به عتف نیز به دیده اغماض نگریسته شده بود.

در مواردی نیز، افراد بزهکاری که در شرایط یکسان، جرمی را به مباشرت هم انجام داده بودند، آراء متفاوتی به چشم می خورد. مثلاً در مورد دختر و پسری که مرتکب زنا ی غیر محصنه شده بودند، اگر یکی از طرفین اقرار نموده، به حد زنا محکوم شده بود و طرف دیگر که به دلیل سابقه دار بودن به مزایای عدم اقرار پی برده، اقرار نموده، بر دروغ خود بافشاری کرده بود، از اتهام زنا برائت جسته فقط تعزیر می گردید.

بعضی از ضایعات را از قلم انداخته است که مجموعاً ۴۷ مورد (۷/۴ درصد) بودند.

۷- مواردی که پرونده نیاز به استعلام از پزشکی قانونی داشته ولی قاضی استعلام نکرده است که مجموعاً ۱۰۲ مورد (۱۶/۱ درصد) بودند که این موضوع در مورد جرایم جنسی فراوان تر از سایر جرایم می باشد. شکل ۱ توزیع فراوانی نسبی آرای قضات و میزان مطابقت آنها با نظر کارشناسی پزشکی قانونی در مجموع ۴ مجتمع قضایی مرکزی، جنایی، اطفال و ارشاد را در فاصله سالهای ۷۶ تا ۷۹ نشان می دهد.

در مجتمع قضایی امام خمینی مجموعاً ۳۹۳ پرونده بررسی گردید که در ۲۰۹ مورد (۶۷/۴ درصد) نظریات پزشکی قانونی پذیرفته شده بودند. در این مجتمع در بسیاری از موارد، قضات محترم از وحدت رویه برخوردار نبودند. بطور مثال در تعدادی از پرونده ها، ضایعاتی را که دیه مقدر دارند ولی منجر به نقص عضو نیز گردیده است، فقط آن دیه مقدر را محاسبه نموده، نقص عضو بوجود آمده و ارش حاصله از آن را نپذیرفته اند و برای توجیه این موضوع به رای وحدت رویه شماره ۶۱۹ مورخ ۱۳۷۶/۶/۱۸ دیوان عالی کشور که ارش زاید بر دیه را غیر قانونی دانسته، استناد کرده اند. از طرفی عده ای دیگر از قضات، تمامی ضایعات و نقص عضو ایجاد شده و ارش حاصل از آن را پذیرفته، محاسبه نموده اند که این دوگانگی در موارد بسیار حتی در مورد ضایعات مشابه به چشم می خورد.

در مجتمع قضایی جنایی، ۵۰ مورد قتل بررسی گردید که در صد پذیرش نظریه پزشکی قانونی بسیار بالا بوده (۹۶ درصد) که خود بیانگر اهمیت موضوع کارشناسی در امور تخصصی است.

در مجتمع قضایی اطفال، در میان جرایم بررسی شده، بیشترین عنوان به ضرب و جرح اختصاص داشت (۵۹ درصد) و در ۲۲/۲ درصد موارد به عدم استعلام کارشناسی برخورد نمودیم.

در مجتمع قضایی ارشاد مجموعاً ۱۸۹ پرونده بررسی گردید که متأسفانه در ۲۲/۸ درصد موارد جرایم جنسی، فاقد استعلام کارشناسی بودند. در سال های اخیر به دلیل اهداف قضات در عدم نقص و کنکاش بیشتر از آنچه که مشاهده شده یا به آن اقرار داشته اند، معمولاً سعی در برائت متهمین شده است و منکر به دلیل عدم دلایل کافی، اثبات جرم نشده

رویه دادگاهها نشان می دهد که قاضی در ارزش گذاری نظر کارشناسی و خیره از آزادی عمل برخوردار است. در صورتی که با تکیه بر تواناییهای علمی عصر جدید، ارجاع به کارشناس و تبعیت از اظهار نظر کارشناس الزامی است.

پزشکی قانونی، کارشناس امور پزشکی است (۴).

ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۱ اشعار می دارد: «دادگاه باید کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است، انتخاب نماید» ماده ۲۶۵ همان قانون بیان می دارد:

«در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.»  
ماده ۲۶۵ آیین دادرسی، در واقع یک قیدی بر ماده ۲۵۸ است. یعنی کارشناس، علاوه بر اینکه باید مورد وثوق باشد، نظریه وی پیرامون موضوع ارجاعی، باید با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت هم داشته باشد و الا اعتیازی نخواهد داشت. نتیجه اینکه در مقام تعارض نظریه کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، نظریه کارشناس اعتبار و ارزش نخواهد داشت. اما اصول کارشناسی بر پایه رعایت موازین و اصول علمی آن



امر تخصصی استوار است. دادگاه زمانی حق رد نظریه کارشناس را دارد که ثابت نماید نظریه مذکور با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه مطابقت ندارد. اما زمانی که بطور مستدل ادعای خود را ثابت ننماید، عقیده کارشناس محکوم به حجیت است. در صورتی که دادگاه بدون صلاحیت علمی و فنی و عاری از هرگونه استدلال، نظر خبره را رد نماید، چنین حکمی قابل ابطال است و لزوماً برای قبول یا رد و نیز میزان ارزش اثباتی کارشناسی، باید به کارشناس دیگری رجوع نمود و رد نظر خبره جز با جلب نظر کارشناس دیگری، امکان پذیر نیست. در آیین دادرسی، ادله اثبات جرم مشتمل بر اقرار، شهادت و علم قاضی ذکر گردیده است. اما حدود اعتبار علم قاضی باید مشخص شود. عصر حاضر دوران دلایل علمی در اثبات دعاوی است. در دوران معاصر، شناخت و اقیان و وجدانی قاضی از ویژگی علمی، تجربی، محسوس و مادی برخوردار بوده، میزان ذهن‌گرایی و تردید و تخیل در آن به مراتب کمتر است (۵).

در فقه اسلام از طرفی علم قاضی و یقین او معتبر شناخته شده است و این علم از هر طریق متعارفی که حاصل شود معتبر می‌باشد و برای صدور رای کافی است. از طرف دیگر ارزش معین و از قبل تعیین شده‌ای به شهادت شهود و اقرار داده شده است و قاضی اگر علم به خلاف آنها نداشته باشد، مکلف به تبعیت از آنهاست (۶).

امارات قضایی - امارات قانونی، مذاکرات آزاد طرفین دعوی نود قاضی، نظریه کارشناس، معاینه محل، گزارش ضابطین دادگستری، اسناد، شواهد و... طرق مفید کسب علم قاضی محسوب می‌شوند (۷).

ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی بر متعارف بودن مستند علم قاضی تاکید دارد و مقرر می‌دارد: حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود حکم کند (۸).

در قانون شرع بینه بعنوان دو شاهد مرد بکار نرفته است، بلکه هر چیزی که حقیقی‌رایبان و ثابت کند، می‌باشد. چون در صدر اسلام در دادگاه دلیلی که بیشتر از سایر ادله اثبات دعوی متداول بوده شهادت بوده است، لذا معنی لغوی و اصطلاحی بینه، تدریجاً در عرف قضاء، اختصاص به این نمونه پیدا کرد (۹).

لذا بینه شامل هر گونه دلیل اثبات دعوی است که بتواند برای محکمه و قاضی ایجاد علم بنماید. دو شاهد نمونه‌ای از بینه است و ای بسا که بینه‌های دیگری باشد که از شهادت دو شاهد نیرومندتر باشد، مانند اماره قضایی و نظریه کارشناس که بر مبنای اصول علمی استوار است.

در قرآن بینه به معنای اعم به کار رفته است. محدود نمودن راه‌های اثبات جرم، به شهادت شهود عادل و یا سوگند و حتی اقرار، موجبات پایمال شدن حقوق حقه مردم را فراهم می‌سازد. زیرا وجود دو شاهد در صحنه، آن هم واجد عدالت شرعی در قدیم هم کمتر پیش می‌آمده است، چه رسد به امروز؛ از این رو به حکم ضرورت قضایی و برقراری عدل و داد، می‌باید از دلایل و شواهد دیگر هم بهره جست و این دلایل و قرائن باید به گونه‌ای باشند که برای قاضی ایجاد علم نمایند.

ولی شارع مقدس می‌تواند موضوع برخی از احکام خود را صرف واقعیت خارجی قرار دهد و طریقه اثبات را نیز موضوع حکم بیاورد. مثلاً می‌تواند بگوید هرگاه زنا یا لواط صورت بگیرد در صورتی که با چهار مرتبه اقرار مهم، یا شهادت عدول اربعه ثابت شود، حد

شرعی جاری می‌شود. یعنی اینجا واقعیت به تنهایی مهم نیست بلکه اگر از طرق خاص وقوع آن ثابت شود بدان ترتیب اثر داده خواهد شد. اما اگر علم به زنا یا لواط از منشاء دیگری حاصل شود، به شرط آنکه از طرق متعارف حاصل شده باشد، باید آن را قاعدتاً حجت بدانیم (۶).

در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار، از علم قاضی بعنوان یکی از راه‌های ثبوت قتل یاد کرده است ولی در باب حدود، در اثبات بسیاری از جرائم، از ذکر علم قاضی به عنوان دلیل اثبات خودداری و تنها اقرار و شهادت سخن به میان آورده است. که این عمل او سوالات و ابهامات زیادی را ایجاد کرده است.

آیا جرائم زنا، شرب خمر، محاربه و فساد فی الارض و قذف تنها با اقرار یا شهادت قابل اثباتند؟ ادله مذکور موضوعیت دارند یا طریق حصول علم هستند و به طریق اولی، آیا علم قاضی دلیل اثبات اینگونه جرائم می‌باشد؟

ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی، حجیت مطلق علم قاضی را پذیرفته است. به نظر فقهای شیعه، علم قاضی در رأس ادله است و تا زمانی که علم قاضی وجود دارد، نوبت به دیگر ادله نمی‌رسد.

صاحب نظران علم حقوق هم معتقدند در صورتی که واقعیت کشف نگردید و علم حاصل نشد، نوبت استفاده از اقرار و شهادت فرامی‌رسد. در نتیجه شکی نیست که در امور تخصصی و فنی، ارجاع به کارشناس و تبعیت از اظهار نظر کارشناسی، الزامی است و به جای حذف استعلام کارشناسی، باید در پی علمی نمودن سیستم پزشکی قانونی کشور و متعدد نمودن مراحل کارشناسی در سیستم‌هایی جداگانه (حدافل دو سیستم) به موازات هم برآمد و سیستم پزشکی قانونی فعلی را از حالت منحصر به فرد تنها مرجع کارشناس پزشکی خارج کرد و زمینه پیشرفت علم پزشکی قانونی را نیز مانند سایر علوم و فنون در کشور فراهم نمود.

لازم است دوره تخصصی پاتولوژی قانونی در دانشگاه‌ها ایجاد شود و در رأس سالن‌های تشریح، متخصصین پاتولوژیست قانونی حضور داشته باشند (۱۰). در عین حال می‌باید با تصویب قوانین لازم، قضات را ملزم به اخذ نظریه کارشناسی نمود.

مراجع

- ۱- حسینی سید یوسف جزوه حجیت نظریه کارشناس. مرکز پژوهش‌های قوه قضائیه؛ ۱۳۷۹.
- ۲- وفایی داریوش. مروری بر قوانین و مقررات مربوط به پزشکی قانونی. سازمان پزشکی قانونی کشور؛ ۱۳۷۶.
- ۳- مدنی سید جلال‌الدین. ادله اثبات دعوی. چاپ سوم. گنج دانش. چاپ سوم؛ ۱۳۷۴؛ ۳۶.
- ۴- توفیقی حسن. جزوه گزیده پزشکی قانونی سازمان پزشکی قانونی کشور؛ ۱۳۷۸.
- ۵- هدایتی محمد علی. آیین دادرسی کیفری. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۳۲.
- ۶- حقوقی علی. پایان‌نامه علم قاضی در حقوق کیفری. دانشگاه مفید؛ ۱۳۷۸.
- ۷- کی ملا علی. تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل (ایقضاء الشهادت). چاپخانه حاج آقا؛ ۱۳۰۴ ه. ق.
- ۸- دادگستری جمهوری اسلامی ایران. قانون مجازات اسلامی. مصححه روزنامه رسمی کشور مصوب؛ ۱۳۷۰.
- ۹- علم الهادی سیدمرتضی. الانتصار. توشه النشر الاسلامی؛ ۱۳۱۵ ه. ق؛ ۲۸۶.
- 10-Dimaio JV, Dimaio D. 2nd ed. CRC Press. 5891.